

انجمن صنایع نساجی ایران



- ◀ صنعت نساجی ایران هرگز رو به مرگ نخواهد رفت زیرا برطرف کننده یک نیاز اساسی انسانهاست
- ◀ وضعیت صنعت نساجی را روشن و مثبت ارزیابی می‌کنم مشروط بر این که خودمان یکسری بحران‌ها را به این صنعت تحمیل نکنیم
- ◀ نساجی، یگانه صنعتی است که دیگر سرمایه‌گذاری دولتی در آن انجام نمی‌شود

اشاره

جریانات مربوط به ممنوعیت واردات پنبه و متعاقب آن آزادسازی واردات پنبه، هدفمندسازی یارانه‌ها و افزایش قیمت حامل‌های انرژی و تبعات آن بر تولید صنایع نساجی کشور، وضعیت صادرات منسوجات و آمار و ارقام مربوط به آن از مهمترین نکاتی بود که با دبیر انجمن صنایع نساجی در میان گذاشتیم و البته سوالاتی نیز در مورد برنامه‌های دید این تشکل مطرح شد.

مهندس حائری در نخستین گفت‌وگوی خود در قالب دبیر انجمن صنایع نساجی با نساجی امروز، معتقد است صنعت نساجی ایران هرگز رو به مرگ نخواهد رفت زیرا برطرف کننده یک نیاز اساسی انسانهاست و یک نیاز را نمی‌توان از بین برد. صنایع نساجی ایران در فضایی زندگی می‌کند که سایر صنایع نیز به فعالیت می‌پردازند و به همین دلیل مسائل و مشکلات نساجی تفاوت چندانی با آنها ندارد. طی ۱۰ سال اخیر این طرز تفکر در کشور ایجاد شده که صنعت نساجی بحران زده و شکست خورده می‌باشد ریشه این دیدگاه هم به بیشتر ناشی از آن دسته کارخانجات قدیمی بود که پس از انقلاب، مالکیت و مدیریت آنها در اختیار دولت قرار گرفت و به دلیل سوءمدیریت به تدریج مضمحل و مستهلک شدند و به دلیل بزرگی نام و عنوانشان، این ذهنیت در کشور ایجاد شد که صنایع نساجی در حال تعطیلی است.



هم باید عنوان کنم که بالغ بر ۶۵ درصد قیمت تمام شده یک کیلو نخ را قیمت پنبه تشکیل می‌دهد. متأسفانه صنعت نساجی در زمره صنایعی محسوب می‌شود که سهم مواد اولیه در قیمت تمام شده آن بسیار بالاست و همان طور که می‌دانید هرچه سهم مواد اولیه در قیمت تمام شده بالاتر باشد، حاشیه سود آن کمتر است.

۶۰ تا ۹۰ درصد سهم قیمت تمام شده محصولات نساجی به مواد اولیه اختصاص دارد. سال گذشته حدود ۲۴ میلیون تن تولید جهانی پنبه بود که از این رقم چین تولیدکننده حدود ۷/۵ تا ۷ میلیون تن است. این کشور، بزرگترین تولیدکننده پنبه و در عین حال بزرگترین واردکننده پنبه می‌باشد. مصرف سالیانه چین، حدود ۱۰ میلیون تن است و بخش قابل توجهی از نیاز خود را از طریق واردات رفع می‌کند. در رتبه های بعدی تولید پنبه، آمریکا با ۴/۵ میلیون تن، هند با حدود ۴/۵ و پاکستان با ۲/۵ میلیون تن و ازبکستان با یک میلیون تن قرار دارند. نکته جالب توجه در مورد پنبه ازبکستان این است که تا سه سال پیش، حدود ۸۵ درصد پنبه تولیدی خود را صادر می‌کرد اما در حال حاضر سیاست احداث کارخانجات ریسندگی (با جذب سرمایه گذاری خارجی) را در پیش گرفته است. به این ترتیب ضمن حفظ ارزش افزوده تولید پنبه در کشور ضمن اشتغال قابل توجهی را نیز ایجاد کرده است. از سوی دیگر، پنبه ای که توسط دولت در اختیار صنایع ریسندگی داخلی قرار می‌گیرد، مشمول ۱۷ درصد تخفیف می‌باشد در واقع صنایع ریسندگی ازبکستان مواد اولیه مورد نیاز خود را با ۱۷ درصد تخفیف خریداری می‌کنند و از جواز صادراتی به دلیل صادرات نخ بهره‌مند می‌شوند، در نتیجه کارخانجات ریسندگی کشور ازبکستان می‌توانند

هدفمندی سازی یارانه‌ها باید به نحوی عملیاتی شود که اجرای آن برای صنایع قابل تحمل باشد. به عبارت بهتر انتظار داریم که طرح مذکور با شیب سالیانه ۲۰ درصد پیش می‌رفت اما در برخی موارد به نظر می‌رسید شیب ۲۰ درصدی رعایت نشده و مقداری تندتر انجام شده است.

نخ‌های تولیدی خود را تا ۲۵ درصد ارزانتر از نخ تولید شده در ایران ارائه کنند. در حالی که صنایع ریسندگی ایران نه تنها مشمول ۱۷ درصد تخفیف نیستند بلکه به دلیل وجود هزینه‌های سنگین حمل و نقل، بیمه، تعرفه ورودی و ... ۲۵ درصد قیمت تمام شده نخ کارخانجات داخلی در مقایسه با نخ‌های تولیدی ازبکستان گرانتر است در نتیجه این کشور می‌تواند به سهولت نخ خود را به کشورهایمانند ایران صادر نمایند و بازار آن را در اختیار

قیمت جهانی پنبه از ۱/۸ دلار در هر کیلو به حدود ۳/۵ دلار رسید. به عبارت بهتر زمانی که صنایع ریسندگی می‌توانستند پنبه مورد نیاز خود را با نرخ ۲ دلار تأمین کنند؛ ممنوعیت ثبت سفارش پنبه از سوی وزارت جهاد کشاورزی اعلام شد و در این اثنا معاون محترم وزارتخانه مذکور در مصاحبه خود با خبرگزاری فارس در تاریخ ۸۹/۷/۱۰ عنوان داشت که هیچ نگرانی بابت پنبه وجود ندارد زیرا ۱۶۰ هزار تن پنبه مخلوط در کشور موجود است. وی ضمن ارائه اعداد و ارقام به این نتیجه رسیده بود که اگر مصرف پنبه در ایران ۱۳۰ هزار تن باشد؛ ۳۰ هزار تن هم پنبه اضافی موجود است! واقعیت این است که در حال حاضر بیش از ۴-۳ هزار تن پنبه در کشور وجود ندارد و کارخانجات برای جبران این کمبود، راهی جز خرید پنبه ۶ دلاری ندارند آن هم در شرایطی که پنبه های موجود، پنبه مرغوب اول فصل نیستند و باید آن را به صورت دست دوم و از طریق تجار و دلالان خریداری کنند. در صورت واردات و با احتساب هزینه‌های مربوط به حمل و نقل، بیمه، عوارض گمرکی، ضایعات و ... حدود ۷ هزار و ۷۰۰ تومان قیمت تمام شده یک کیلو پنبه خواهد بود در صورتی که رقیبان جهانی همچون هند، پاکستان، اندونزی، ویتنام، و بنگلادش و ... هر کیلو پنبه را با قیمت ۲ دلار خریداری کرده اند و به آسانی می‌توانند نخ پنبه ای را با این قیمت و حتی کمتر به ایران صادر کنند. در حالی که صنایع ریسندگی ما باید با ۷ هزار تومان هر کیلو پنبه را وارد کنند! این نتیجه یک اقدام کارشناسی نشده و اعداد و ارقام نادرست است که بر مبنای آن یک تصمیم نادرست هم گرفته شد و خسارت جبران ناپذیری به صنعت نساجی کشور وارد شد. پرسش اساسی ما از وزارت جهاد کشاورزی که چندین بار هم مطرح کرده ایم و بدون پاسخ باقی مانده این است که ۱۶۰ هزار تن پنبه ای که وعده داده بودند کجاست و چه شد؟! نکته دیگر این که تصمیم ممنوعیت واردات قطعاً بر اساس آمار و اطلاعاتی اتخاذ شده بود؛ خواسته ما این است مستنداتی که موجب صدور این ممنوعیت شد ارائه شود تا بدانیم بر مبنای چه آمار و اطلاعاتی چنین تصمیمی اخذ شد! درخواست ما این است خسارتی که به صنایع ریسندگی و نساجی از بابت صدور این فرمان توسط وزارت جهاد کشاورزی تحمیل شده، به نحوی جبران شود.

در حال حاضر دنیا با کمبود پنبه مرغوب مواجه است و قیمت پنبه‌های موجود هم بسیار گران است به طوری که بسیاری از کارخانجات نساجی، مصرف پنبه خود را به شدت کاهش داده اند و به الیاف مصنوعی مانند پلی استر روی آورده اند. همچنین کمتر تولیدکننده ای حاضر است پنبه گرانیقیمت و کمیاب خریداری شده را صرف تولید نخ‌های ضخیم نماید بنابراین تولید نخ‌های پنبه ای ظرفی رواج بیشتری دارد. در مورد سهم پنبه در قیمت تمام شده محصولات نساجی

در حال حاضر قیمت جهانی پنبه نسبت به سال گذشته افزایش چندبرابری پیدا کرده است. دلیل این افزایش جهانی چیست و همچنین داستان ممنوعیت واردات پنبه پس از سپری شدن تمام کش و قوس‌ها و حاشیه‌های آن، به چه سرانجامی رسید؟

فصل برداشت پنبه در کشور از ۱۵ شهریور شروع می‌شود و به همین دلیل کارخانجات ریسندگی پنبه‌ای یا واحدهای بافندگی پنبه ای برنامه‌های خود را به نحوی تنظیم می‌کنند تا برای آخر فصل پنبه، حداقل موجودی پنبه فصل قبل را داشته باشند و خود را برای خریداری پنبه‌های جدید داخلی یا خارجی جدید آماده می‌نمایند. لازم به ذکر است که فصل برداشت پنبه در کشورهای پنبه‌خیز جهان مانند چین، پاکستان، هند، ازبکستان و ... نیز تقریباً معادل فصل برداشت پنبه در ایران می‌باشد و به این ترتیب صنایع نساجی در یک زمان خاص قادر به خرید پنبه داخلی یا خارجی خواهند بود.

پنبه یک محصول کشاورزی می‌باشد که برداشت و فروش آن زمان خاص و محدودی دارد و از این نظر با کالاهای صنعتی که در تمام فصول سال در بازار یافت می‌شوند و عرضه و فروش آنها تابع عناصری همچون زمین کشاورزی، سیستم آبیاری، تهیه بذر، نوع کشت و ... نیست؛ متفاوت می‌باشد بنابراین کارخانجات ریسندگی تلاش می‌کنند که بخش عمده ای از پنبه مورد نیاز سال خود را در فصل برداشت پنبه تأمین کنند. با توجه به کمبود عرضه جهانی پنبه به دلیل کاهش سطح زیرکشت پنبه و جایگزینی کشت محصولات غذایی مانند گندم، سویا و ... در مزارع پنبه، بروز سیل مهیب در پاکستان و توفان در ایالت تگزاس آمریکا، بازار جهانی پنبه را به شدت تحت تأثیر قرار داد و اغلب کشورها دچار افت شدیدی شد. صرف نظر از این اتفاقات، در کشور اتفاق نادری افتاد و آنچه این بود که از سوی وزارت جهاد کشاورزی ثبت سفارش پنبه ممنوع گردید. این ممنوعیت که حدود ۴۵ روز به طول انجامید؛ دو ماه از بهترین زمان سال را که کارخانجات ریسندگی می‌باید به تهیه و تأمین مواد اولیه خود می‌پرداختند؛ (به دلیل اشتباهات محاسباتی و تصمیم گیری‌های غیر کارشناسانه وزارت جهاد کشاورزی) از بین رفت.

طبق پیش بینی‌های سال زراعی گذشته، ۵۰ هزار تن پنبه در داخل کشور تولید می‌شد اما نیاز صنایع داخلی حداقل ۱۵۰ هزار تن پنبه بود. پس مابقی نیاز کارخانجات نساجی باید از طریق واردات تأمین می‌گردید در حالی که به دلیل ممنوعیت ثبت سفارش پنبه، این فرصت طلایی از صنایع ریسندگی گرفته شد و متأسفانه نتوانستند پنبه خود را با قیمت مناسب تهیه کنند.

اوایل فصل برداشت پنبه، قیمت هر کیلو پنبه در کشور ۲۲۰۰ تومان بود، پس از رفع ممنوعیت واردات، قیمت پنبه داخلی به حدود ۴ هزار تومان رسید همچنین



خود بگیرد. تمامی این اتفاقات زمانی است که مشکلاتی نظیر آنچه در خصوص ممنوعیت ثبت سفارش به وقوع پیوست، تکرار نشود.

افزایش قیمت حامل‌های انرژی بر قیمت تمام شده محصولات نساجی چه تأثیری دارد؟

پس از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها در آذرماه ۱۳۸۹، بحث در مورد این بود که کالاهای داخلی افزایش قیمتی از این بابت نداشته باشند.

طی چندماه اخیر که از اجرا شدن این قانون سپری می‌شود، اکثر صنایع همراهی و همکاری بسیار خوبی با دولت داشته‌اند به نحوی که علیرغم افزایش نرخ حامل‌های انرژی از افزایش قیمت محصولات خودداری کرده‌اند. سال ۱۳۹۰ هم به اجبار، قیمت برخی محصولات افزایش پیدا کرده و خواهد کرد از جمله قیمت مواد تولیدی مجتمع‌های پتروشیمی در بورس که تولیدکنندگان این محصولات با مجوز دولت، اقدام به افزایش قیمت محصولات خود نمودند. در مجموع باید عنوان کنم که سهم افزایش قیمت مواد اولیه، افزایش نرخ ارز (یورو) و افزایش حقوق و دستمزد نیروی انسانی در قیمت تمام شده به مراتب بیشتر از سهمی است که افزایش نرخ حامل‌های انرژی داشته است. برای مثال نرخ پنبه در بازار سه برابر شده است، قیمت محصولات پتروشیمی ظرف یک ماه گذشته نزدیک ۵۰ درصد و نرخ ارز هم نسبت به سال گذشته حدود ۱۸ درصد افزایش یافته است. یورو نیز پیش از اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها یک‌هزار و ۳۰۰ تومان بود که در حال حاضر این عدد به یک هزار و ۶۰۰ تومان رسیده است.

اما در مورد صنعت نساجی؛ طبق بررسی‌های انجام شده

هدف گذاری صادراتی سال ۱۳۹۰ حدود ۴۵ میلیارد دلار صادرات محصولات غیر نفتی تعیین شده است که با توجه به صادرات ۲۶ میلیارد دلاری سال گذشته، این رقم (۴۵ میلیارد دلار) جهش بسیار بزرگی است و اگر بخواهیم به آن دست یابیم؛ قطعاً باید در جهت ارتقای کیفیت محصولات و کاهش قیمت تمام شده گام‌های موثر و اساسی برداشته شود.

در کمیته‌های مختلف انجمن صنایع نساجی، صنعتگران نساجی عنوان داشتند که به دلیل همکاری با دولت و در راستای اجرای بهینه قانون هدفمندسازی حاضرند از افزایش قیمت حامل‌های انرژی صرف نظر کنند و افزایش نرخ حامل‌های انرژی را در قیمت تمام شده محصولات خود اعمال نمایند. اگرچه سهم حامل‌های انرژی در قیمت تمام شده محصولات نساجی در مقایسه با گذشته، دو برابر شده است. برای مثال برای تولید یک

کیلوگرم نخ ۴ کیلووات برق مصرف می‌کنیم. قیمت برق برای تولید یک کیلو نخ پیش از اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها، ۸۰ تومان بود اما این رقم امروز ۱۶۰ تومان شده است و در مجموع، سهم سایر حامل‌های انرژی برای تولید یک کیلوگرم نخ، حدود ۲۰۰ تومان هزینه در پی دارد. متأسفانه قیمت مواد اولیه به اندازه‌ای افزایش پیدا کرده است که سهم ۴-۳ درصدی افزایش قیمت حامل‌های انرژی چندان چشمگیر نیست.

ارزیابی شما از وضعیت صادرات محصولات نساجی چیست؟

معتقدم که در سال جاری، باید دو وظیفه عمده از سوی دولت، واحدهای نساجی، بنگاه‌های اقتصادی و مجلس پیگیری شود. وظیفه نخست تلاش در جهت کاهش قیمت تمام شده محصولات تولید داخل می‌باشد که در صورت عدم تحقق آن، ممکن است طرح هدفمندسازی یارانه‌ها با مشکلات جدی روبرو شود و به علت افزایش قیمت محصولات قادر نخواهیم بود با محصولات مشابه بازارهای جهانی به رقابت بپردازیم.

هدف گذاری صادراتی سال ۱۳۹۰ حدود ۴۵ میلیارد دلار صادرات محصولات غیر نفتی تعیین شده است که با توجه به صادرات ۲۶ میلیارد دلاری سال گذشته، این رقم (۴۵ میلیارد دلار) جهش بسیار بزرگی است و اگر بخواهیم به آن دست یابیم؛ قطعاً باید در جهت ارتقای کیفیت محصولات و کاهش قیمت تمام شده گام‌های موثر و اساسی برداشته شود. صادرات صنایع نساجی در سال گذشته با احتساب گرانول و چیپس پلی‌استر و فرش دستباف حدود یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار بود که اگر نتوانیم نهضت کاهش قیمت تمام شده را به خوبی اجرا کنیم، بازارهای صادراتی خود را از دست خواهیم داد.

بحث مهم دیگر، اشتغال است. دولت، ایجاد ۲/۵ میلیون شغل در سال جاری را هدف گذاری کرده است و تمام تلاش خود را جهت تحقق این رقم به عمل می‌آورد. به طور کلی همه باید دست در دست یکدیگر دهیم تا بتوانیم به این دو هدف مهم و بنیادین یعنی کاهش قیمت تمام شده و ایجاد اشتغال پایدار در کشور دست یابیم تا در پرتو آن شاهد تحقق اجرای طرح تحول اقتصادی و به ویژه قانون هدفمندسازی یارانه‌ها باشیم. در صورت تحقق این دو مورد می‌توانیم امیدوار باشیم که صادرات صنایع نساجی نیز در سال جاری مطابق هدف گذاری ۴۵ میلیارد دلاری افزایش خواهد یافت که به نظر من دور از دسترس نمی‌باشد. البته می‌باید مشوق‌ها و بسته‌های مناسبی نیز برای صادر کنندگان در نظر گرفت.

در مورد ادغام وزارتخانه‌های صنایع و معادن و بازرگانی چه دیدگاهی دارید؟

به هر حال این مطلب که صنایع و تجارت با همدیگر

ادغام شوند و تحت عنوان "وزارت صنایع و تجارت" شناخته گردند؛ گام موثری جهت دستیابی به ۴۵ میلیارد دلار صادرات غیر نفتی خواهد بود. واقعیت این است که بخش صنایع ما تولید داخل را رهبری و هدایت می‌کند و بخش تجارت هم به مقوله واردات و صادرات می‌پردازد، وارداتی که در جهت افزایش تولیدات داخلی و در جهت کاهش قیمت تمام شده محصول باشد و تولید کالایی که قابل صدور به بازارهای جهانی باشد. اگر هدف گذاری و سیاست‌گذاری‌های آینده در این جهت باشد، ادغام صنعت و تجارت را مثبت ارزیابی می‌کنم اگرچه باید بررسی کرد که سمت و سوی این ادغام به سمت تولید کالاهای صادراتی است یا به سمت تجارت. امیدوارم حرکت آینده این وزارتخانه به سمت تولید کالاهای داخلی و قابل صدور به بازارهای جهانی و همچنین کاهش حجم تصدی‌گری دولت باشد.

دیدگاه انجمن صنایع نساجی ایران در مورد طرح تحول اقتصادی به خصوص هدفمندسازی یارانه‌ها چیست و اثرات اجرای این طرح را در صنایع نساجی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها فواید متعددی دارد. از مهمترین مزایای این طرح می‌توان به جلوگیری از اتلاف منابع و سرمایه‌های کشور، صرفه جویی در مصرف انرژی، علامت دهی شفاف و صحیح به سرمایه‌گذاران و اصلاح جهت‌گیری سرمایه‌گذاری و استفاده بهینه از منابع اشاره کرد.

همچنین در راستای اجرای این طرح باید به سمت بازار مبتنی بر عرضه و تقاضای آزاد گام برداریم و به بازارهای جهانی ملحق شویم. اما هدفمندسازی یارانه‌ها باید به نحوی عملیاتی شود که اجرای آن برای صنایع قابل تحمل باشد. به عبارت بهتر انتظار داشتیم که طرح مذکور با شیب سالیانه ۲۰ درصد پیش می‌رفت اما در برخی موارد به نظر می‌رسید شیب ۲۰ درصدی رعایت نشده و مقداری تندتر انجام شده است. شاید هدف مجریان طرح این باشد که آن را ظرف ۲-۳ سال به جای ۵ ساله انجام دهند که تحمل این شیب تند برای صنایع دشوار به نظر می‌رسد.

اجازه دهید در مورد جلوگیری از اتلاف منابع مثالی بزنم. براساس تحقیقات انجام شده در انجمن صنایع نساجی ایران در مورد تولیدات و صادرات ویتنام به این نتیجه رسیدیم که میزان صادرات ویتنام با حدود ۹۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی سالیانه، حدود ۵۶ میلیارد دلار است (بیش از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی آن کشور صادر می‌شود). در حالی که صادرات ایران با حدود ۴۳۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی، به رقم یکصد میلیارد دلار هم نمی‌رسد. این اعداد و ارقام بیانگر مصرف‌گرایی بیش از اندازه مردم و تا حدودی اسراف کاری است. امیدوارم اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها بتواند این



کردم. در حال حاضر نیز به صورت مرتب، فعالیت‌های تحقیقاتی و پژوهشی را انجام می‌دهد و حدود ۴۰ مطلب و گزارش تحقیقی بسیار جالب و قابل اتکا از صنعت نساجی و اقتصاد کشور و همچنین وضعیت صنعت نساجی کشورهای رقیب تهیه شده که در سایت انجمن قابل دسترسی می‌باشد. همان طور که می‌دانید دفاع از منافع اعضا و ایجاد تعامل با مسئولان دولتی، مجلس شورای اسلامی و ... یکی از وظایف انجمن محسوب می‌شود که با جدیت دنبال می‌گردد و خوشبختانه امروز، دولت نگرش بسیار مثبتی نسبت به تشکل‌ها و انجمن‌های صنعتی دارد و به نظرات آنها اهمیت می‌دهد.

نظر شما در خصوص عرضه مستقیم کالاهای داخلی چیست؟

طی برگزاری جلسات متعدد انجمن با مسئولان وزارت بازرگانی، مشارکت گسترده در اجرای "طرح میزان" را در دستور کار قرار داده ایم. در این طرح به حدود ۸ میلیون نفر از مردم کشور در قالب کارکنان دولت، کارگران، سرپرستان خانوار، بازنشستگان و ... بن و کارت‌های اعتباری ۱/۵ میلیون تومان داده می‌شود که گیرندگان این کارت‌های اعتباری می‌توانند می‌توانند می‌توانند خود را از طریق تولیدکنندگان داخلی رفع کنند. انجمن صنایع نساجی از این طرح استقبال کرده و به تمام اعضای خود یعنی تولیدکنندگان کالاهای نهایی مانند فرش ماشینی، موکت، پتو، کالای خواب، پارچه، فاستونی و پوشاک فراخوان عمومی داده است تا در این طرح حضور فعال داشته باشند. این تولیدکنندگان می‌توانند محصولات خود را از طریق فروشگاه‌های زنجیره‌ای در کشور و حتی نمایندگی‌های خود در تمام استان‌های کشور در قالب

در حال فعالیت است و صادرات دارد. اگرچه ممکن است میزان صادرات از نظر کمی چندان قابل توجه نباشد اما از نظر کیفی روند رو به افزایش دارد. جالب است اشاره کنم که بیشترین حجم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشور در این صنعت انجام می‌شود و نساجی، یگانه صنعتی است که دیگر سرمایه‌گذاری دولتی در آن انجام نمی‌شود و تمام کارخانجات جدید توسط بخش خصوصی راه اندازی می‌گردند. با این اوصاف، آینده نساجی را روشن می‌دانم و معتقدم که حتی به صورت یک جانبه وارد سازمان جهانی تجارت (WTO) شده‌ایم زیرا واردات منسوجات به کشور بدون مرز است و واردات کالاهای آماده، نیمه آماده و آماده نشده از طریق قاچاق، مسافر، پیله وری، تجارت چمدانی و ... تقریباً آزاد است اما بخشی که باید این صنعت از سازمان جهانی تجارت منتفع شود و بتواند به همان سهولت و آزادی واردات، اقدام به صادرات کالاهای خود نماید؛ هنوز ایجاد نشده است.

صنعت نساجی مزایای متعددی دارد که مهمترین آن وجود مواد اولیه، متخصصین و تحصیل کردگان به روز و آگاه نسبت به مسائل جاری صنعت نساجی، ارزش افزوده و ضریب اشتغالزایی قابل توجه می‌باشد. تمام کشورهای دنیا از دروازه صنعت نساجی، وارد فاز صنعتی شده‌اند و بیشترین صادرات کشورهایی که جزو صادرکنندگان عمده دنیا هستند، مربوط به این صنعت است. برای مثال از یک هزار و ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات سال گذشته چین حدود ۲۰۰ میلیارد دلار به صادرات صنایع نساجی اختصاص داشت.

به برنامه‌های جدید انجمن صنایع نساجی ایران نیز اشاره می‌کنید؟

پس از کسب رأی اعتماد اعضای هیأت مدیره، ضمن بهره‌گیری از خرد جمعی هیأت مدیره تلاش کردم تا در مسائل و سیاست‌گذاری‌های دبیرخانه از نظرات هیأت مدیره استفاده بیشتری کنم. همچنین یکی از مهمترین اقداماتی که انجام شده، راه اندازی "پایگاه اطلاع رسانی نساجی نیوز" است که انعکاس دهنده نظرات هیأت مدیره و خبرگان این صنعت است. بولتن هفتگی انجمن هر هفته به صورت رنگی منتشر می‌شود. در عین حال به دنبال دریافت مجوز انتشار نشریه ای به عنوان ارگان انجمن صنایع نساجی ایران هستیم.

یکی از اقدامات موثر و مطلوبی که ۶ ماه پیش از انتصاب من به عنوان دبیر انجمن، با ابتکار و ایده جناب آقای مهندس رییس- مروج هیأت مدیره انجمن- انجام شده است، راه اندازی "دفتر مطالعات آماری و راهبردی انجمن" است که وظیفه این دفتر، انجام تحقیق، مطالعه و تهیه گزارشات موردنیاز صنایع نساجی و هیأت مدیره و اعضا می‌باشد که پس از انتصاب به سمت دبیری انجمن این واحد را تقویت و به صورت یک واحد مستقل تبدیل

شیب تند مصرف را که در موارد متعددی، ائتلاف منابع را در پی دارد؛ کاهش دهد و مصرف را بهینه نماید. به اعتقاد من اگر بتوانیم ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را به صادرات اختصاص دهیم به رقم غرور آمیز ۲۰۰ میلیارد دلار صادرات سالیانه خواهیم رسید که قطعاً در بهبود و پیشرفت اقتصاد کشور مثرتر خواهد بود.

فارغ از خوش بینی یا بدبینی های رایج در مورد صنعت نساجی، این صنعت را به عنوان دبیر انجمن صنایع نساجی و یک صنعتگر چگونه مشاهده می‌کنید؟

اعتقاد دارم که صنعت نساجی ایران هرگز رو به مرگ نخواهد رفت زیرا برطرف کننده یک نیاز اساسی انسانهاست و یک نیاز را نمی‌توان از بین برد. صنایع نساجی ایران در فضایی زندگی می‌کند که سایر صنایع نیز به فعالیت می‌پردازند و به همین دلیل مسائل و مشکلات نساجی تفاوت چندانی با آنها ندارد. طی ۱۰ سال اخیر این طرز تفکر در کشور ایجاد شده که صنعت نساجی بحران زده و شکست خورده می‌باشد ریشه این دیدگاه هم به بیشتر ناشی از آن دسته کارخانجات قدیمی بود که پس از انقلاب، مالکیت و مدیریت آنها در اختیار دولت قرار گرفت و به دلیل سوء مدیریت به تدریج مضمحل و مستهلک شدند و به دلیل بزرگی نام و عنوانشان، این ذهنیت در کشور ایجاد شد که صنایع نساجی در حال تعطیلی است. واقعیت این است که کارخانجات بزرگ دولتی تعطیل شده‌اند اما سرنوشت آنها همین بود. شاید اگر در کنار این واحدهای تعطیل شده، کارخانجات جدید و مدرن جدید ایجاد نمی‌شدند؛ این اعتقاد درست بود که نساجی در حال از بین رفتن است اما قطعاً در کنار از بین رفتن واحدهای قدیمی، بسیاری از صنایع و کارخانجات جدید ایجاد شده‌اند که به لحاظ ظرفیت، کیفیت و کمیت تولید و هم مدیریت و ساختارهای مالی و نیروی انسانی بسیار بهتر و موفق تر از واحدهای قدیمی هستند و امروز نیز به تولید خود ادامه می‌دهند. بر همین اساس وضعیت صنعت نساجی را روشن و مثبت ارزیابی می‌کنم مشروط بر این که خودمان یکسری بحران‌ها را به این صنعت تحمیل نکنیم. برای مثال بحران پنبه یا مشکلی که سال گذشته برای عرضه محصولات پتروشیمی در کشور ایجاد شد؛ مشکلات بسیاری را برای صنعتگران نساجی به وجود آورد. در صورتی که اگر دولت محترم و تصمیم‌گیران کشور به این باور برسند که در هر تصمیم‌گیری، دیدگاه انجمن‌های تخصصی و خبرگان و پیشکسوتان آن صنعت را جویا شوند (البته مشروط براین که نظرات متخصصین در تصمیم‌گیری‌ها موثر باشد و صرف برگزاری جلسه نباشد) صنایع نساجی در زمره صنایع پویای کشور قرار دارد. این صنعت علیرغم واردات غیر قانونی و قاچاق، کالای همراه مسافر بازارچه‌های مرزی و پیله ورن هنوز

صنایع نساجی در زمره صنایع پویای کشور قرار دارد. این صنعت علیرغم واردات غیر قانونی و قاچاق، کالای همراه مسافر بازارچه‌های مرزی و پیله ورن هنوز در حال فعالیت است و صادرات دارد. اگرچه ممکن است میزان صادرات از نظر کمی چندان قابل توجه نباشد اما از نظر کیفی روند رو به افزایش دارد.

طرح میزان ارائه کنند. لازم به ذکر است که اعتبار اولیه این طرح حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان است که از طریق سیستم بانکی تأمین شده است. اجرای موفق این طرح هم می‌تواند موجب کنترل نرخ‌ها شود و هم به رونق تولیدات صنایع داخلی و تحریک تقاضا در بازار برای کالاهای داخلی منجر شود.